

تحمیل نخواهد شد، چنانچه به‌نوشته در خور توجهی دسترسی پیدا کنیم، که ضمناً این شرایط را دارا نباشد، چاپ خواهیم کرد.

فلسفه هنر از بیش از صد سال پیش آبخور بخش عمده و بلکه همه نظریه‌ها، رویکردها، و جنبش‌های ادبی و هنری معاصر بوده است. متأسفانه هنوز پس از گذشت این همه سال از پیدایش و تکوین این مفاهیم، جزء بسیار ناچیزی از آنها توانسته است به‌ذهن و زبان ما راه یابد. از این رو برآنیم که بخشی از کاغذ و امکان و توان و تلاش خود را به‌معرفی این اندیشه‌ها اختصاص دهیم، و با خود قرار گذاشته‌ایم که در این راه در حد توان از پراکنده‌گویی و نوک زدن بپرهیزیم؛ کمال مطلوب ما این است که در یک دوره مستمر و طولانی (اگر بپائیم و بپائید) مجموعه‌ای از این کهکشان خیره‌کننده دستاوردهای فکری تمدن بشری را به‌گونه‌ای انتخاب و ارائه کنیم که خود نیز همراه شما - صد البته به‌یاری شما - در جریان این جستجوها و تلاش‌ها و کلنجارها و بده‌بستان‌های فکری به‌درک عمیق دست یابیم از آنچه که دغدغه همیشه‌مان بوده است - و خواهد بود. قابل انتظار است که در این راه بیشتر از آن بخش از میراث بشری استفاده کنیم که در زبان‌های دیگر - عمدتاً اروپایی - پدید آمده‌اند.

اگر بخواهیم این چشم‌انداز ذهنی مجرد را در نمایه‌ای بصری عینیت ببخشیم، گمان می‌رود که شکل زیر پیشنهاد بی‌ربطی نباشد، با این اشاره بی‌نیاز از اشاره که بخشی از این جداسازی‌ها، به‌قصد دستیابی به‌وضوح و سهولت بیان انجام گرفته است. همه می‌دانیم که نمی‌توان خط قاطع بی‌برو برگردی بین مثلاً ادبیات خلاقه و نقد و نظر کشید؛ و همه می‌دانیم که در اینجا، در هرجای دیگر و در زندگی هم بیش‌تر با تداخل و همپوشی سر و کار داریم تا قلمروهای جدا از هم پنهان در پس دیوارهای آهنین.

این‌ها نه ادعا که آرزوی ماست. هرآرزویی برای اینکه تحقق عینی و عملی پیدا کند، زمینه می‌خواهد، تلاش می‌خواهد و البته همدلی و همراهی می‌خواهد. زمینه از زمانه، تلاش از ما، همدلی و همراهی و همپراغی از شما. ما دست

همه آن‌هایی را که در فضای ادبیات و هنر نفس می‌کشند، کار می‌کنند، خلق می‌کنند و قلم می‌زنند، می‌فشاریم. اصلاً ادامه خود را، بقای خود را در گرو همپایی آن‌ها می‌دانیم. پس ما را که یکی از شما یانیم دریابید. قصه‌ها، شعرها، نقدها، مقاله‌ها، آثار خود را برای ما بفرستید. نشانی ما را که دارید. به‌ویژه نیازمند انتقادهای شما از کار خود، از بایا هستیم. اما فقط انتقادهای کتبی را به‌رسمیت می‌شناسیم، آن هم در یک روی کاغذ، با خط خوانا، و یک خط در میان. انتقادهای نقد و نظرهای شفاهی را فقط هنگام تماشای سریال‌های وطنی سیمای وطنی مفید می‌دانیم و قویاً توصیه می‌کنیم!

بایا می‌خواهد با لایه‌های جدی، زنده، جستجوگر، فرزانه و فرهیخته جامعه ادبی و هنری وارد گفت و گویی دموکراتیک، انتقادی، سازنده و بالنده شود. برای دستیابی به‌این آرمان باید از محفل بازی، قبیله‌گرایی، تنگ‌نظری، آسان‌گیری و دست‌کم گرفتن طرف دیگر گفت و گو، دوری کنیم. سخت است اما سعی خود را خواهیم کرد. به‌خود وفادار خواهیم ماند.

سردبیر

خط مشی ما

بایا می‌خواهد یک نشریه تخصصی باشد؛ تخصصی ادبیات و هنر. اما تکیه اصلی بر ادبیات خواهد بود: ادبیات خلاقه (شعر، قصه...) نظریه‌های ادبی (و هنری) محض، و نقد آثار و فرآورده‌های ادبی (و هنری). اولویت دوم با هنرهای دیگر (موسیقی، نقاشی، سینما، تئاتر، عکاسی، مجسمه‌سازی...) خواهد بود. این را که در هر شماره کدام یک از این‌ها و با چه حجم و اهمیتی در کانون توجه قرار گیرند، دسترسی به‌آثار و نوشته‌های مهم و تاریخ‌ساز، مناسبت‌های خاص، و درجه و شدت فوریت طرح مباحث و میزان حساسیت لایه‌های ذی‌علاقه جامعه به‌آن‌ها، تعیین خواهند کرد. در عین حال این چهارچوب و این شرط و شروط همچون عامل محدود کننده و دست و پاگیر و چون چرا ناپذیر برانتخاب و چاپ مطالب

